**جلسه 96-207**

**‌شنبه – 26/01/۹7**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

راجع به مسأله 1 یک نکته‌ای عرض کنم و بعد مسأله 2 را بررسی کنیم.

بحث در این بود که اگر زنی موی زن دیگر را به خودش بچسباند آیا جایز هست شوهر این زن به این موها نگاه بکند یا نه؟ ما عرض کردیم آن‌هایی که استصحاب در شبهات حکمیه را قبول دارند مقتضای استصحاب این است که بگویند حرام است نگاه به این موها چون قبلا نگاه به این مو وقتی که وصل بود به آن زن اول حرام بود، استصحاب می‌‌کنیم می‌‌گوییم بعدا هم حرام است ولی ما چون خودمان استصحاب در شبهات حکمیه را قبول نداریم قاعده حل جاری می‌‌کنیم.

امروز می‌‌خواهم عرض کنم حتی اگر استصحاب را قبول کنیم بعید نیست بگوییم روایت سعد اسکاف دلیل بر جواز نظر باشد. روایت سعد اسکاف این است که سئل علیه السلام عن القرامل التی تصنعها النساء فی رؤسهن یصلنه بشعورهن فقال لابأس علی المرأة بما تزینت لزوجها. حضرت فرمود اشکال ندارد که زن تزیین کند برای شوهرش با قرامل. قرامل اعم است از این‌که با غیر موی زن اجنبیه تزیین بکند مثل این گل‌هایی که روی سر به مو می‌‌چسبانند و یا با موی زن اجنبیه تزیین کند، قرامل شامل هر دو می‌‌شود. امام که فرمود لابأس علی المرأة بما تزینت لزوجها این اطلاق لفظی دارد و خود این اطلاق مستبطن جواز نظر زوج هست. وقتی بگویند چه اشکال دارد زن با قرامل تزیین بکند برای شوهرش مفادش این است که یعنی شوهر هم می‌‌تواند نگاه بکند. و این اطلاق لفظی است نه دلالة الاقتضاء که ما آن روز عرض می‌‌کردیم و می‌‌گفتیم دلالت اقتضاء برای اطلاق منعقد نیست. دلالت اقتضاء یعنی مدلول عرفی نیست اما برای تصحیح حکم در یک خطاب شرعی ما نیاز داریم به فرض حکم آخر بدون این‌که ظهور خطاب آن حکم آخر را بفهماند؛ اینجا گفتند اگر این خطاب نص باشد در این حکم اول، به دلالت اقتضاء حکم دوم را هم ثابت می‌‌کنیم اما اگر اطلاق دارد و تصحیح اطلاق متوقف است بر ضم ضمیمه خارجیه، نه، ما اینجا نمی‌توانیم اطلاق‌گیری کنیم.

مثل این‌که استصحاب اگر بخواهد شامل شک در وجود حاجب در اعضاء وضوء باشد باید اصل مثبتش هم حجت باشد، اثبات تحقق غسل هم بکند با ریختن آب روی این بدنی که رویش شک داریم حاجبی هست که مانع از وضوء بشود یا نیست. بله، اطلاق دلیل استصحاب بخواهد این مورد را بگیرد متوقف است بر این‌که اصل مثبتش حجت باشد. و گفتند این دلالت اقتضاء است، ‌دلالت اقتضاء هم در اطلاقات جاری نمی‌شود.

اما اگر خطاب ظهور داشت، لابأس بما تزینت به لزوجها، اصلا ظهورش این است که زن می‌‌تواند تزیین کند با قرامل، مرد هم می‌‌تواند نگاه بکند...

[سؤال: ... جواب:] بحث در این است که این روایت اطلاق دارد‌، این احتمالی که شما می‌‌فرمایید که شاید در ارتکاز متشرعه این بود که آن زنی که این مرد می‌‌شناسد او مویش را داد به زوجه این مرد و این زوجه مرد با موی زن آشنا تزیین کرد اگر احتمال عرفی بدهیم ارتکاز متشرعی بود بر حرمت نظر و احتمال قرینه حالیه نوعیه بشود، ‌بله، حق با شماست اما همچون احتمالی عرفی نیست که واضح بود لدی المتشرعة که نگاه به موی زن اجنبیه که از سر خودش برید و زوجه انسان به سر خودش وصل کرد. احتمال این‌که ارتکاز واضح متشرعی بوده بر حرمت نظر، انصافا این احتمال ضعیف است.

و لذا ظهور منعقد می‌‌شود و این خطاب اطلاق لفظی دارد یعنی لابأس علی المرأة بما تزینت لزوجها معنایش این است که و لابأس لزوجها ان ینظر الیه و طبعا دیگه عرفا هم خصوصیتی برای زوج نیست؛ پدر این زن می‌‌خواهد بدون شهوت نگاه کند. احتمال ندارد که شوهر با شهوت نگاه بکند حلال است اما پدر این زن بدون شهوت نگاه بکند حرام است چون این موی زن اجنبیه بوده. این احتمالش عرفی نیست.

و لذا این احتیاط واجب امام را که الاحوط وجوبا ترک النظر الی الشعر المفصول عن الاجنبیة می‌‌شود به این نحو جواب داد که اولا این مبتنی است بر استصحاب در شبهات حکمیه و ما قبول نداریم استصحاب در شبهات حکمیه را و ثانیا این روایت می‌‌تواند دلیل لفظی باشد که مانع از جریان استصحاب است. چون دیگه عرف فرق نمی‌گذارد زوج نگاه بکند به این شعر یا شخص دیگری نگاه بکند که از محارم این زن دوم است یا نه، وقتی که این مو در گوشه‌ای از اتاق هست، دیگه عرفا احتمال فرق نیست که بگوییم نگاه کردن به این مو، به این کلاه‌گیسی که از مو زن‌های اجنبیه بافته شده اگر کنار طاقچه باشد حرام است ولی اگر زوجه انسان بگذارد روی سرش نگاه جایز است آن هم نگاه بشهوة، این‌جور احتمال‌ها عرفی نیست. ظاهر عرفی این روایت این است که دیگه نظر به این شعر جایز است مطلقا چه روی سر این زوجه باشد چه کنار باشد در گوشه اتاق باشد چه این زوج بخواهد نگاه بکند چه دیگران بخواهند نگاه بکنند. بله، نامحرم وقتی این کلاه‌گیس مصنوعی روی سر این زن هست نمی‌تواند نگاه بکند چون مصداق ابداء زینت است که حرام است و لازمه‌اش این است که نظر به آن هم حرام است.

[سؤال: ... جواب:] این فرمایش شما بحث در ابداء زینت هست که آیا ابداء زینت شامل مواردی می‌‌شود که تزین زن برای ازاله منفّرات است. مثلا زنی آنقدر صورتش چاله دارد که این باید کلی وسائل آرایشی را استفاده کند تا بشود مثل یک زن معمولی یا ابرو ندارد مجبور است ابرو بکارد تا بشود مثل یک زن معمولی، ناخن ندارد، ‌باید ناخن بکارد، ‌همین ناخن‌های معمولی که هیچ امتیازی بر ناخن‌های طبیعی ندارد تا بشود مثل یک انسان معمولی. بحث این است که آیا این عرفا تزیین است و ابداء‌ زینت است؟ این یک بحث است. و علاوه کلا ابداء‌ زینت در وجه و کفین حلال است یا حرام؟ چون نقل شد از بعضی از بزرگان‌ که فرمودند و لایبدین زینتهن الا ما ظهر منها زینت ظاهره شامل آرایش‌های صورت و کف دست می‌‌شود و لو آرایش‌های غلیظ. ‌البته شرطش این است که مهیج نوعی نباشد و الا و لایخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض می‌‌گیرد آن را. ‌نه‌، آرایش‌های معمولی که متعارف هست در زن‌ها که موجب مفسده نوعیه نیست، نقل شد از بعضی از بزرگان‌ که گفتند این داخل در زینت ظاهره است

این دو بحثی است که جا دارد بحث بشود:

بحث اول این است که آیا ابداء‌ زینت شامل ازاله منفرات که انسان می‌‌رسد با این تزیین به حد یک انسان متعارف، ‌شامل آن می‌‌شود یا نه؟ دوم این‌که ابداء زینت که حرام است شامل زینت وجه و کفین می‌‌شود یا این‌ها مصداق زینت ظاهره است؟ این بحث، ‌بحث مهمی است و محل ابتلاء‌ هم هست.

آن بحث اول در زنانی که شوهرشان فوت می‌‌کند زیاد محل ابتلاء‌ می‌‌شود. چهار ماه و ده روز زن شوهرمرده حق ندارد تزیین بکند، ‌بحث ابداء زینت نیست؛ اصلا حق تزیین ندارد. این زنی است که اگر چند مدت رها کند صورتش را، موهای زاید صورتش اصلا وحشتناک می‌‌شود، ‌دیگه خودش هم از خودش بدش می‌آید، ‌بچه هایش هم بدشان می‌آید یا موی سفید سرش آشکار می‌‌شود، ‌حالا یک رنگ مشکی بزند تازه ده سال جوان‌تر می‌‌شود، این عرفا بحث باید بشود که مصداق ابداء‌ زینت هست یا نیست. انصاف این است که در ابداء زینت نخوابیده که انسان را از حد معمولی بالاتر ببرد؛ کلٌ بحسبه. این زن در حد کمتر از معمولی است با تزیین می‌‌خواهد معمولی بشود. آن قواعد من النساء که قرآن می‌‌گوید و غیر متبرجات بزینة، خب ‌قواعد من النساء اللاتی لایرجون نکاحا هر چی هم آرایش بکنند بالاخره پیرزن هستند، از معمول زن‌ها که بالاتر نمی‌روند و لکن شارع نهی کرده. و لذا اگر عرفا زینت حساب بشود، تزیین حساب بشود و لو به لحاظ این زن، این حرام هست.

[سؤال: ... جواب:] بالاخره این زنی که ابرو ندارد، ابرو گذاشتن او یک نوع تزیین است. ... و لایبدین زینتهن دیگه یا در معتده عده وفات دارد و لاتتزین. ... با آرایش صورت خود را ترمیم کرد. ... پس چرا می‌‌گوید رفتم آرایشگاه؟ خب آرایشگاه رفتم برای آرایش. این‌که می‌‌گوید رفتم آرایشگاه یعنی برای آرایش رفتم دیگه و الا این‌جور که شما می‌‌فرمایید آرایشگاه یک بخشیش مربوط به صافکاری است. عرفا همه این‌ها آرایش است. این زن دارد آرایش می‌‌کند، این زن بدریخت دارد آرایش می‌‌کند که تازه بشود در حد یک زن معمولی؛ ‌این‌ها تزیین است دیگه. ... ببینید!‌ یک وقت می‌‌رود علاج می‌‌کند جزئی از بدنش می‌‌شود، می‌‌رود جراحی پوست می‌‌کند این زنی که صورتش سوخته، ‌او جزء بدنش می‌‌شود، ‌او که اشکال ندارد که زن کاری بکند که زیبا بشود. از غذاهایی استفاده کند که زیبا بشود مگه این حرام است؟ ... نخیر، خودش را زیبا کند اشکالی ندارد اما عرفا یک زینت خارجیه که بخواهد ابروی مصنوعی بگذارد تا آرایش بکند، ‌نه این‌که ابرو بکارد جزء بدنش بشود. اگر جزء بدنش بشود اشکالی ندارد؛ این داخل در و لایبدین زینتهن نمی‌شود چون وجه و کفان استثناء شدند از و لایبدین زینتهن، روایت هم می‌‌گفت و لایبین زینتهن الا ما ظهر منها‌، ‌روایت می‌‌گفت زینت ظاهریه یعنی وجه و کفین، ‌عرفا بشود جزء وجه اما این‌که یک زنی می‌‌گوید لبان من سیاه است مثل ذغال، ‌تازه ماتیک که می‌‌مالم مثل این زن‌های آفریقایی می‌‌شوم، خیلی آرایش بکنم مثل این زن‌های بدریخت می‌‌شوم، خب بالاخره می‌‌گویند تو آرایش کردی. تزینت دیگه. یعنی اگر شوهر این زن به این زن بگوید آخه خانم! ما چه گناهی کردیم تو را گرفتیم برو یک مقدار آرایش بکن استعمال غلطی است؟ این زن می‌‌گوید نخیر من آرایش نمی‌کنم، من رفع عیب می‌‌کنم؟ این عرفی نیست، ‌آرایش دارد می‌‌کند دیگه.

پس شبهه دارد خلاصه در مقام اول کسی بگوید ابداء زینت شامل این نمی‌شود. چرا شامل این نمی‌شود؟ بله، ‌آنی که تزین نیست عرفا مثل چیدن مو، حف الحاجب، نه، او اشکال ندارد چون بدنش این شد اما بیاید زینت خارجیه‌ای را اضافه کند به خودش، ماتیک بمالد بگوید ببین! خدا آن زیبایی را از من گرفته بالذات یا بالعرض، مجبورم با این ماتیک و کرم و این‌جور چیزها یک مقدار جوری بکنم که بشوم در حد یک زن معمولی، بالاخره این تزینت دیگه. این شبهه دارد خلاصه.

[سؤال: ... جواب:] اگر این‌که خرقه ‌به خودش بمالد که آرایش نیست. فرض این است آرایش یعنی از آنچه که هست بهتر بشود.

اما مقام دوم: انصافا بحث خوبی است. لقائل ان یقول که و لایبدین زینتهن الا ما ظهر منها اطلاق دارد، زینت ظاهره شامل مطلق التزین فی الوجه می‌‌شود و این‌که در روایات گفتند الکحل و الخاتم این مثال عرفی است برای زینت ظاهره. این بالاخره یک وجه فنی دارد، کسی بگوید آرایش‌هایی که زنان در صورت‌شان انجام می‌‌دهند مصداق زینت ظاهره است و لااقل من الشک که دیگه نمی‌توانیم به اطلاق این آیه تمسک کنیم برای حرمت ابداء. شک هم بکنیم که آیا عرفا این ماتیکی که زن می‌‌مالد، این ابرویی که می‌‌گذارد، این جزء زینت ظاهره هست و یا جزء زینت ظاهره نیست، منشأ می‌‌شود دیگه به اطلاق و لایبدین زینتهن الا ما ظهر منها نتوانیم استدلال کنیم، ‌اذا جاء الاحتمال بطل الاستدلال، آن وقت رجوع می‌‌کنیم به اصل برائت.

و لکن جرأت بر این‌که انسان بخواهد اظهار نظر قطعی بکند بگوید زنان می‌‌توانند در صورت‌شان انواع و اقسام آرایش‌ها را بکنند و بیایند به خیابان و مفاسدی که بر این مترتب هست منشأ می‌‌شود که انسان لااقل احتیاط بکند. در روایت هم که آمد گفت الزینة الظاهرة الکحل و الخاتم، این‌که عده‌ای از فقهاء گفتند این ظاهرش در حصر است و لو قابل مناقشه است، کسی بگوید این برای مثال است و لکن شبهه این‌که در مقام حصر هم هست منشأ می‌‌شود که انسان در مقام فتوی احتیاط بکند. مخصوصا با توجه به مفاسدی که مترتب است بر آرایش‌هایی که معمولا هم در وجه و کفین است و مهیج هست. بله، کحل هم ظاهرش همین کحل طبیعی است، ‌الکحل و الخاتم استثناء شدند. خاتم شامل حلقه ازدواج هم می‌‌شود، این‌ها استثناء شدند. اما غیر این‌ها، ناخن مصنوعی کار گذاشتن، ابرو گذاشتن، ماتیک مالیدن، ‌این‌ها را کسی بخواهد بگوید داخل در زینت ظاهره است و یا شبهه دارد و لذا به آیه نمی‌شود تمسک کرد برای حرمت ابدائش انصافا احتیاج به یک جرأتی دارد که ماها همچون جرأتی نداریم.

[سؤال: ... جواب:] ابرو برداشتن عرض کردم او زینت خارجیه نیست، ‌او مثل این‌که موهای زاید صورتش را بردارد، سبیلش را بردارد، ابداء‌ زینت نیست، ابداء وجه است و ابداء وجه هم مستثنی است. ابداء زینت یعنی یک زینتی غیر از وجه و الا وجه مستثنی است.

راجع به مسأله دوم بحث به اینجا رسید که نظر در آینه به عورة‌ الغیر یا به جسد الاجنبیة حرام است. وجهش را هم گفتیم.

اما نظر به فیلم و یا عکس زن اجنبیه یا عورت اجنبی:

مقتضای قاعده این است که اگر بدون شهوت باشد و آن منظورٌ الی عکسه زن مسلمان شناخته شده نباشد، علی القاعدة جایز است. چرا؟ برای این‌که عرفا صدق نمی‌کند نظرَ الیها، [بلکه گفته می‌‌شود] نظر الی تصویرها. بله، ‌اگر آن زن را بشناسد و محترمه است یعنی مسلمان است که از مبتذلات نیست نگاه کردن به تصویر او که کاشف از جسد او است که نمی‌تواند دید، این خلاف احترام اوست. یعنی عرفا وقتی می‌‌گویند نگاه نکنید به موی زن اجنبیه‌ای که مسلمه هست و جزء زنان مبتذله نیست که اذا نهین لاینتهین، حالا اگر یک زن محجبه‌ای است عکسش دست شما افتاده با خواهر شما در یک مجلسی عکس گرفتند شما بدون شهوت نگاه کنی این خلاف احترام اوست. یا مرد مسلمانی اتفاقا لنگ حمامش افتاد یک شخص کذایی آمد عکس گرفت، بعد شما این عکس را ببینید، خب این خلاف احترام اوست. اما اگر نمی‌شناسید، یک زن گمنام، یک مرد گمنام یا می‌‌شناسید ولی احترام ندارد، مثل کافر که لاحرمة لنساء اهل الذمة ان ینظر الی شعورهن یا حتی روایت در مورد نظر به عورت کافر در صحیحه ابن ابی عمیر هست که ما أری النظر الی عورة الکافر الا کالنظر الی عورة الحمار یعنی احترام ندارد و لو مشهور به این صحیحه ابن ابی عمیر فتوی ندادند ولی مفاد روایت است. می‌‌خواهم عرض کنم مواردی که یا نمی‌شناسیم صاحب عکس را یا می‌‌شناسیم و احترام ندارد، این دلیل نداریم بر حرمت نظر به عکسش چون صدق نمی‌کند نظرَ الی عورته، صدق نمی‌کند نظرَ الی شعره.

[سؤال: ... جواب:] اگر نشناسیم عرفا بی‌احترامی نیست، ‌خلاف احترام او نیست. ... عرفا وقتی حرمت نظر به عورة الغیر به ملاک احترام اوست همین نکته را و لو به مرتبه ضعیفه عرف در نگاه به فیلم او، ‌تصویر او هم می‌‌بیند و این را می‌‌گوید خلاف احترام اوست. مثلا شما ترسیم کنید که عکس پدر انسان، لخت، حالا ‌چی شده که عکس لختش دست پسر رسیده، این نگاه بکند این خلاف احترام او نیست؟ قطعا خلاف احترام اوست. ... اگر اصلا شناخته شده نیست، این خلاف احترام او نیست و لااقل من الشک؛ اصل برائت جاری می‌‌کنیم.

[سؤال: ... جواب:] ظاهر دلیل این‌که حرمت نظر به مسلم یعنی حرمت نظر به عورت مسلم یا حرمت نظر به جسد اجنبیه مسلمه به ملاک احترام اوست چون در روایات آمد گفت که نساء اهل ذمه چون احترام ندارند می‌‌شود به موی سرشان نگاه کرد، کافر چون احترام ندارد می‌‌شود به عورت او بدون شهوت نگاه کرد، از این ادله ما می‌‌فهمیم نهی از نظر به ملاک احترام است. بله، ‌نظر بشهوة حسابش جداست، نظر به غیر شهوة حرمتش به ملاک احترام است و عرف می‌‌گوید این ملاک احترام از بین می‌‌رود با نگاه به عکس انسانی که او را می‌‌شناسید. ... عرف الغاء خصوصیت می‌‌کند. ... نظر به اجنبیه حرام است به ملاک احترام او. اگر بشناسید صاحب عکس را این هم خلاف احترام اوست عرفا. ... عرض کردم عرف وقتی می‌‌گوید که نگاه به عورت مسلم نکن، ‌عورة المسلم علی المسلم حرام، بعد این بیاید نگاه به عکس او بکند این خلاف احترام اوست عرفا.

حتی اگر این نکته نباشد که صاحب فیلم یا صاحب عکس انسان شناخته شده‌ای است که احترام دارد، نه، کافر است یا انسان ناشناخته‌ای است، ‌به نظر ما فیلم مستقیم اگر پخش بکند مثلا یک تلویزیون آن ور آب، این دلیل نداریم بر حرمت نظر. چرا؟ برای این‌که این نگاه به فیلم است و لو فیلم مستقیم. فرق است، ‌دقت کنید! بین این‌که قاری قرآن از رادیو بطور مستقیم آیه سجده بخواند، اینجا باید سجده کرد چون صدق می‌‌کند آنی که در روایات آمده که اذا اصغی الی قراءة من یقرأ آیة السجدة، این صدق می‌‌کند اما اگر نه، پخش غیر مستقیم است این صدق نمی‌کند. فرق است بین نشر صدا، تفصیل می‌‌دهیم بین مستقیم و غیر مستقیم اما پخش تصویر، به نظر ما چه مستقیم چه غیر مستقیم عرفا نگاه به آن نگاه به جسد الاجنبیة یا عورة الاجنبی نیست. عرفا الان شما صدای من را می‌‌شنوید با این‌که صدای من تبدیل می‌‌شود به نظر دقی به امواج و از طریق بلندگو به گوش شما می‌‌رسد، ‌رادیو هم همین است. پخش مستقیمش آنی که می‌‌خواند تبدیل می‌‌شود به امواج، امواج پخش می‌‌شود و این رادیو شما این امواج را دریافت می‌‌کند. عقلا این‌جور است ولی عرفا صدق می‌‌کند عنوان این‌که عن رجل سمع السجدة تقرأ قال لایسجد الا ان یکون منصتا لقراءته مستمعا الیها، صدق می‌‌کند که شما اگر گوش می‌‌دهید به رادیو و آن رادیو در آن طرف دنیا قاری را دارد پخش می‌‌کند صدایش را که آیه سجده دارد می‌‌خواند صدق می‌‌کند که رجل سمع السجدة تقرأ قال لایسجد الا ان یکون منصتا لقراءته، ‌شما منصت قرائت او بودی باید سجد کنی. اما اگر فیلمی را پخش کنند که حاوی جسد اجنبیه است شما هم بدون شهوت نگاه می‌‌کنی یا حاوی عورة الاجنبی است شما دارید بدون شهوت نگاه می‌‌کنید، ‌خب صدق نمی‌کند نظر الی عورة الغیر.

[سؤال: ... جواب:] مستقیم دیدیم یعنی فیلم مستقیم را دیدیم اما صدق می‌‌کند که عورت او را دیدید؟ فرق است بین فیلم مستقیم و غیر مستقیم؟ خب این فیلم است دیگه. حالا اگر دو دقیقه بعد پخش کنند، اینجا دیگه عرف فرق می‌‌گذارد بین پخش مستقیم و پخش مستقیم؟ فرق نمی‌کند. عرف در هر دو فرض می‌‌گوید فیلم او را دیدیم. این‌که می‌‌گوید شما را در تلویزیون دیدیم این معلوم است، ‌قرینه لبیه دارد یعنی فیلم شما را دیدیم و الا خود او را که در تلویزیون ندیده، ‌قرینه دارد. این‌که می‌‌گوید شما را دیدیم یا به قول شما زنگ بزند بگوید بابا خودت را جمع کند آخه این چه وضعیه که تمام ما یستقبح ذکره شما دیده می‌‌شود این یعنی فیلمت دارد دیده می‌‌شود. و لااقل من الشک که برائت جاری می‌‌شود. مگر عرض کردم صاحب عکس را، صاحب فیلم انسان مسلمان شناخته شده‌ای باشد که به ملاک این‌که نگاه به او خلاف احترام اوست، ‌نگاه به او دیگه جایز نخواهد بود.

[سؤال: ... جواب:] ما به نظرمان تمام این‌هایی که شما می‌‌گویید، دوربین مداربسته، این‌ها فیلم است. فرق می‌‌کند با نظر به مرآت، نظر به آب زلال. این فیلم است و با پخش صدا هم فرق می‌‌کند.

[سؤال: ... جواب:] ببینید! حرمت ابداء ملازمه دارد با حرمت نظر اما نظر مطلقا و لو نظر غیر مستقیم؟ یعنی این زن خودش دوربین فیلم‌‌برداری را جلوی روی خودش گذاشت، و لو غیر مستقیم، بعد می‌‌گذارد در کانال شخصیش، خب او کارش قطعا حرام است در این شکی نیست اما آیا ملازمه بین حرمت ابداء و حرمت نظر حتی این مقدار هست که اگر او فیلمش را گذاشت در کانالش بعد افراد بعدا هم نگاه نکنند چون ابداء بر او حرام بوده؟ ما همچون ملازمه‌ای به این نحو که نفهمیدیم. حرمت ابداء با حرمت نظر مستقیم ملازمه داشت. اینی که شما می‌‌فرمایید در غیر مستقیمش هم می‌آید؛ فیلمی را از خودش می‌‌گیرد هیچکس هم نیست یا شوهرش از او می‌‌گیرد بعد می‌‌گذارند در یک جایی، سایت، ‌همه نگاه کنند، ‌خب ابداء قطعا حرام است بر او یعنی شما می‌‌گویید که این زن هیچ گناهی نکرده است، این‌که محتمل نیست؛ و لایبدین زینتهن. ... این‌که بعد فیلمش را پخش می‌‌کند این‌که قطعا حرام است، ‌این خلاف نهی از ابداء است. کلام در این است اگر این زن کافره است یا غیر معروفه است، یعنی شناخته شده برای ما نیست آیا بین حرمت ابداء جسدش بر خودش و بین حرمت نظر غیر مستقیم ما ملازمه است ما این ملازمه را نمی‌فهمیم. و لذا مشهور هم همین را می‌‌گویند. ما حرفی که زدیم خلاف مشهور نبود. ممکن است مشهور در پخش مستقیم بگویند صدق می‌‌کند نظر الیها، ما آن را اشکال کردیم و الا این‌که بعد از این مطلب که عرفا صدق نمی‌کند در پخش مستقیم نظر الیها بلکه می‌‌گویند نظر الی تصویرها، نظر الی فیلمها، ‌بین این‌که بر خود او حرام بود بیاید فیلمش را پخش کند و بین این‌که دیگران حرام است به فیلمش نگاه کنند ما همچون ملازمه‌ای نمی‌فهمیم. و لذا آنی که از ملازمه فهمیدیم این است که شارع گفته ابداء‌ حرام است پس نظر مستقیم دیگران هم حرام است.

[سؤال: ... جواب:] بله، آقایان گفتند، گفتند اگر زنی عکسش را خودش ببرد به عکاسی بگوید این عکس من را ظاهر کن این حرام هست و آن عکاس حرام است نگاه بکند به ملاک این‌که منافی با احترام اوست. اما اگر عکاس عکس یک زنی را که نمی‌شناسد دیگران آوردند نگاه بکند اشکال ندارد. اما خود آن زن می‌‌تواند عکسش را بفرستد توسط خواهرش یا برادرش که آن عکاس نگاه کند و ظاهر کند؟ این را اگر هم فرمودند جایز است خب ما مناقشه می‌‌کنیم و سؤال می‌‌کنیم پس جایز است عکس سینه لختش را توسط شخص دیگری بفرستد که این عکاس ظاهر کند؟ پس لخت کاملش را بفرستد. ... اگر جایز است دیگه این را هم بگویید جایز است. ابداء حرام است. آنی که گفتند [این است که] اگر خود عکاس نشناسد این عکس کدام زن است اشکال ندارد.

و لذا به نظر ما این فرمایش صاحب عروه که فرمود یحرم النظر الی عورة الغیر فی المرآة و الماء الصافی مطلب درستی است. ولی بحث نظر به فیلم و عکس فرق می‌‌کند.

یک مطلبی راجع به نظر به مرآت بگویم:

آقای خوئی یک مطلبی مطرح کرده اینجا که از موسی مبرقع نقل شده در کافی. موسی مبرقع فرزند امام جواد علیه السلام است، ‌توثیق ندارد. این آقایی هم که در قم هست موسی مبرقع نیست، فرزند موسی مبرقع هست. موسی مبرقع توثیق ندارد بلکه یک حدیثی هست که هم در کافی نقل می‌‌کند و هم مفید در ارشاد نقل می‌‌کند، ‌سندش ضعیف است و لکن متنش خیلی متن ناشایستی هست که اگر سندش تمام بود دلیل بر ضعف شدید موسی مبرقع بود و لکن مهم این است که موسی مبرقع توثیق ندارد.

متن روایت این است: یحیی بن اکثم سأله عن مسائل، یحیی بن اکثم از امام هادی علیه السلام سؤال‌هایی کرد، از جمله راجع به خنثی که هم عضو تناسلی مردانه دارد هم عضو تناسلی زنانه، می‌‌خواهند تشخیص بدهند مرد است یا زن. در روایت داریم ببینند از کجا زودتر بول می‌‌کند؟ کی نگاه کند؟ مرد نگاه کند شاید زن باشد، ‌زن نگاه کند شاید مرد باشد. امام فرمود که از امیرالمؤمنین علیه السلام حدیث هست که یأخذ کل منهم مرآة و یقوم الخنثی خلفهم عریانة فینظرون فی المرآة فیرون شبحا فیحکمون علیه. بعضی‌ها خواستند نظر به مرآت بنابراین جایز است.

خب شما می‌‌دانید غیر از ضعف سند این دلیل بر جواز نظر به مرآت در حال اضطرار نه در حال اختیار.

[سؤال: ... جواب:] فرض این است که مضطر بودند می‌‌خواستند ببینند این مرد است یا زن است ارثش را حساب کنند. افسد فالافسدش این است که با آینه اگر مشکل را حل کرد الان هم گفتند پزشک اگر می‌‌توانند به آینه نگاه کند اول باید به آینه نگاه کند اگر نمی‌شود، به خود جسد که مثل عورة‌ الغیر یا جسد اجنبیه است نگاه کند چون عرفا مفسده حرمت نظر به آینه کمتر از حرمت به خود جسد مستقیم هست.

کلام واقع می‌‌شود در مسأله سوم ان‌شاءالله فردا.